Islam and Health Journal
Babol University of Medical Sciences

دانشگاه علوم پزشکی بابل، نشریه اسلام و سلامت
دوره اول، شماره اول، بهار ۹۳، صفحه: ۳۷-۲۹

بررسی سقط جنین از دیدگاه فقهی

دریافت مقاله: ۹۳/۱/۲۰ پذیرش مقاله: ۹۳/۲/۱۷

حجت الاسلام عباس نیکزاد (PhD)[1*]
سید غلامعلی جورسرایی (PhD)[2]

۱. گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران
۲. مرکز باروری و ناباروری حضرت فاطمه زهرا (س)، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

*نویسنده مسئول: حجت الاسلام عباس نیکزاد، گروه معارف دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

تلفن: ۳۲۱۹۷۴۲۷ ۱۱ ۹۸+
فاکس: ۳۲۱۹۷۴۲۷ ۱۱ ۹۸+
Email:nikzad.2010@yahoo.com

چکیده

سابقه و هدف: سقط به ختم حاملگی قبل از هفته بیستم، اطلاق می شود. سالانه حدود ۸۰ هزار سقط در ایران انجام می‌پذیرد. بسیاری از مسائل اجتماعی مانند داشتن فرزند زیاد، عدم تقارن در جنسیت، بارداری های ناخواسته و یا نامشروع بودن فرزند، زمینه مساعدی را برای سقط جنین فراهم نموده است. مکاتب مختلف دیدگاه ها و ایده های گوناگونی ارائه کرده‌اند. اسلام نیز به دلیل کرامتی که برای انسان در نظر گرفته، حتی برای مرحلهٔ انعقاد نطفه و قبل از دمیده شدن روح، ارزش خاصی قائل است. این مطالعه به دیدگاه اسلام، مخصوصا از منظر فقه شیعه، به موضوع سقط جنین می پردازد.

مواد و روش ها: در این مطالعه، فتاوی عمده فقها و علمای معاصر شیعه، نظر فقهی حضرت امام خمینی و حضرت آیه الله خامنه ای و همچنین دیدگاه نگارنده در خصوص سقط جنین انسان، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. به احادیثی از پیامبر اسلام و آیات قرآن استناد شد. دیدگاه مکاتب مختلف اهل سنت، آیین یهودیت، آموزه های زرتشت و الهی دانان مسیحی نیز مد نظر قرار گرفت. ایده و آراء مکاتب غیر الهی مانند فمنیست ها، نگاه علمی متخصصین پزشکی و همچنین دلایل عقلی و عرفی، نیز از جمله مواردی بودند که در این تحقیق به آنها توجه گردید.

یافته ها: قاطبه فقهای اسلام، سقط جنین را در هر مرحله از تکوّن، در صورتی که دلیل موجهی برای آن وجود نداشته باشد، حرام و غیر شرعی می دانند. براساس قاعده نفی عسر و حرج، حرمت سقط در شرایطی منتفی بوده و باید از ضرر بزرگتر جلوگیری کرد و اساس آن قاعدهٔ تقدم اهمّ بر مهم است. با مزاحمت جنین در رحم، دلیل متقنی وجود ندارد تا بتوان با استناد به آن، حق حیات را از مادر سلب نمود. در مزاحمت حیات جنین با ادامهٔ حیات مادر، سقط جنین برای مادر مجاز خواهد بود. با قاعدهٔ نفی حرج حکم حرمت برداشته می شود و قاعده نفی حرج، بر همهٔ احکام از جمله تقیّه حکومت دارد.

نتیجه گیری: حرمت سقط جنین از دیدگاه اکثر فقها، یک مسئله مطلق نبوده و استثناء پذیر است. براساس قاعده نفی عسر و حرج، حکم حرمت سقط جنین برداشته می شود. مزاحمت جنین با حیات مادر نیز می تواند مجوزی برای سقط جنین باشد. توجه به آموزه های دینی و فقه شیعه، تبیین کننده راه درست خواهد بود.

واژگان کلیدی: انسان، سقط جنین، اسلام، فقه شیعه، حرمت

مقدمه

در علم پزشکی، سقط به معنای ختم حاملگی قبل از هفته بیستم، اطلاق می شود که ممکن است به صورت خود بخودی و یا به شکل القایی صورت پذیرد (۱). همچنین به معنای ختم حاملگی قبل از اینکه جنین بتواند تکامل کافی را برای زنده ماندن خود به دست آورده باشد، ولی به صورت خود بخودی یا عمدا ساقط گردد، تعریف کرده اند. البته این مسئله به زمانی اطلاق می شود که جنین در هفته قبل از بیستم حاملگی قرار داشته و یا اینکه وزن آن کمتر از پانصد گرم باشد (۲). از ۲۱۰ میلیون زنی که در سراسر جهان در طی یک سال، بارداری خود را تجربه می نمایند، حدود ۲۲ درصد از آنها اقدام به سقط می کنند. لذا تخمین زده می شود هر سال حدود ۴۶ میلیون سقط در شکل های متفاوت و با دلائل مختلف و به صورت ایمن و یا غیر بهداشتی و پر خطر انجام پذیرد (۳). آماری که توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ارائه شده، سالیانه حدود ۸۰ هزار سقط در ایران انجام می پذیرد که بیشتر آنها غیر قانونی و غیر بهداشتی هستند (۴). گرچه بسیاری از مواردی مانند مسائل اعتقادی، قانون، عرف و اخلاق، موضوع سقط جنین را به نوعی تحت الشعاع خود قرار داده و در این خصوص مسائل روانی و اجتماعی نیز بر روی آن تاثیر گذاشته است. اما در جامعه امروزی، سقط جنین به عنوان یک معضل اجتماعی مطرح بوده و در نهایت سلامت خانواده و جامعه را دچار مشکل ساخته است. از طرفی هم، سقط غیرسالم یکی از بزرگترین مشکلات بهداشتی به خصوص در کشورهای در حال توسعه قلمداد می شود (۵). بسیاری از مسائل اجتماعی مانند داشتن فرزند زیاد، عدم تقارن در جنسیت، بارداری های ناخواسته (۶) و یا نا مشروع بودن فرزند، باعث گردیده تا زمینه مساعدی برای سقط جنین فراهم شود (۴). گرچه انجام سقط قانونی یکی از بی خطرترین درمان های تهاجمی در بین زنان محسوب می شود (۷) ولی باید در نظر داشت که یکی از شایعترین عمل های جراحی در سنین باروری زنان است (۸). جنین شناسان بر این باورند که تخمک بارور

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

شده مثل یک انسان است، لذا بعید به نظر می رسد که بتوان زمان معینی را برای تبدیل یک جنین به شخص و یا انسان در نظر گرفت و چون جنین می تواند مستقل از مادر و در یک زمان تعیین شده زندگی نماید، لذا می‌توان بر جنین، اصطلاح شخص و یا انسان بودن را جاری ساخت. بعضی ها هم بر این باورند، زمانی که تمام ارگانهای بدن ظاهر گردید، شاید بتوان مرز بین شخص و یا غیر شخص بودن جنین را تعیین نمود (۹). بعضی از متخصصین جنین شناس، ملاک شخص و یا انسان بودن را از زمان شروع قابلیت درک و حس دانسته و معتقدند که اصطلاح انسان، به زمانی گفته می شود که درک از خود، وجود داشته باشد (۱۰). بعضی ها نیز زمان شروع ضربان قلب که معمولا در روز شانزدهم بعد از بارداری اتفاق می افتد را آغاز حرکت و یا حیات انسان می دانند (۱۱،۱۲).

علاوه بر آنچه دانشمندان علوم تجربی نظریات مختلف و برداشت های متفاوتی را در باره اطلاق انسان و شخص بودن جنین مخصوصا در گونه انسان ارائه کرده اند، مکاتب مختلف اعم از اینکه طرز فکر آنها مبتنی بر یک منطق و بر گرفته از تعالیم کتب آسمانی بوده و یا اینکه منوط به برداشت دانشمندان الهی از ادیان مختلف باشد، دیدگاه ها و ایده های گوناگونی ارائه کرده اند. مکتب کاتولیک معتقد است که جنین انسان از همان ابتدا یک انسان کامل بوده و حق حیات دارد. چون زندگی انسان از آغاز پیدایش محترم است و تمام حقوق انسانی، از جمله حقِ حیات را باید برای او محترم دانست (۱۳). لذا مشاهده می شود که کلیسای کاتولیک از همان ابتدا هرگونه اقدام مستقیم برای سقط جنین را منع و نکوهش کرده و معتقد است که کشتن انسان بی گناه نادرست است و این خود یکی از عوامل جدایی و تمایز مسیحیانِ معتقد با افرادی است که هیچگونه اعتقادی به مسائل مذهبی ندارند (۱۴).

تعدادی از الهی دانان قدیم مسیحی، بر این باورند که جنین از زمان تشکیل نطفه، انسانی کامل است، به اعتقاد آنها، سقط جنین فقط آنگاه مجاز خواهد بود که برای نجات جان مادر ضرورتی وجود داشته باشد (۱۵). بسیاری از پیروان کلیسا، مسیحیان و پروتستان ها نیز از مواضعِ کاتولیک ها حمایت کرده و مخالف سقط جنینِ هستند. البته در این راستا، دیدگاههای کاملاً مخالفی هم وجود دارد. پیروان این دیدگاه بر این باورند که زنان از نظر اخلاق اجتماعی و قانوناً می توانند به سقط جنین خود اقدام نمایند. گروه سومی هم نیز راه اعتدال را پیش گرفته و معتقدند که سقط جنین نه قتل عمد محسوب می شود و نه یک عملی کاملا خنثی است (۱۶). آیین یهود سقط جنین را ممنوع اعلام کرده و در غیر درمان مادر، آن را مجاز نمی داند (۱۷). در آموزه های زرتشت نیز سقط جنین مردود شمرده شده و تنها در موارد خاص می توان آن را انجام داد (۱۸). بعضی از فرقه های مسیحی همانند ارتدودکس، جنین را یک انسان بالقوه تلقی کرده و معتقدند که جنین حقی بر گردن زن باردار و اطرافیان خود دارد. لذا نمی توان آن را ساقط نمود، مگر اینکه جان مادر در معرض خطر قرار گیرد (۱۹).

فمنیست ها، مادر را برای سقط جنین خود تام الاختیار دانسته و معتقدند که لازم نیست که مادر برای سقط جنین به هیچ قانون و یا دلیل موجهی پایبند باشد (۲۰). در متون دینی فقهای اهل سنت، مطلبی دیده نمیشود که مبین حکم اسقاط عمدی جنین باشد (۲۱). حنفی ها، قائل به این هستند که سقط جنین قبل از دمیدن روح و قبل از ۱۲۰ روز، جایز بوده و دیه ای بر آن واجب نیست.

مالکی ها، سقط جنین را در هر مرحله ای از دوران بارداری، حرام می دانند. شافعی ها معتقدند که سقط جنین پس از انعقاد نطفه حرام است . امام محمد غزالی نیز اصل را بر ممنوع بودن سقط جنین گذاشته و معتقد است که حیات و دمیده شدن روح از همان ابتدای ورود اسپرم و لقاح با تخمک جاری بوده و سقط جنین را پس از انجام لقاح حرام اعلام کرده است (۲۲). حنبلی ها نیز سقط جنین را پس از گذشت چهل روز از زمان بارداری، جایز نمی دانند (۲۳). بیشتر آنها به این آیه از قرآن استناد می کنند که مربوط به قتل نفس است: «و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعد له عذاباً عظیما »هر کس انسان مؤمنی را از روی عمد به قتل برساند، سزای او جهنم است و در آن جاویدان خواهد بود و خشم و لعنت خدا بر او باد و خداوند برای او عذاب بزرگی را فراهم کرده است (۲۴).

بر اساس دین مبین اسلام، زمانی که روح در بدن دمیده می شود، حیات آغاز شده و جنین داخل رحم را باید یک انسان تلقی کرد. در این خصوص، قرآن کریم اشاره دارد «و ما انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم، سپس او را نطفه ای در قرارگاه مطمئن در رحم قرار دادیم. سپس نطفه را به صورت علقه و علقه را به صورت مضغه و مضغه را به صورت استخوان هایی در آوردیم و بر استخوان ها گوشت پوشاندیم. سپس آن را آفرینش تازه ای دادیم. پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است» (۲۵).

با تامل بیشتر در آیات قرآن مشاهده می شود که، خداوند متعال در تبیین مراحل مختلف تکوین جنین، همه جا کلمه خلق را بیان می دارد. ولی در مرحله دمیدن روح، واژه انشاء را جاری می سازد. تغییر یافتن این عبارت، گویای این واقعیت است که مرحله انشاء با مراحل دیگر فرق دارد. در مراحل قبل، تنها تغییر فیزیکی و مادی صورت می پذیرد. اما تغییری که در مرحله انشاء انجام خواهد گرفت، یک تغییر ماهوی است. در حقیقت مرحله ایجاد یک انسان است. یعنی موجودی که دارای حیات، علم و قدرت می شود (۲۶). اسلام به دلیل ارزشی که برای انسان قائل است برای جنین حتی در مرحلهٔ انعقاد نطفه و قبل از دمیده شدن روح، کرامتی در نظر گرفته است. لذا حفظ و نگهداری او را وظیفه همگان و به ویژه والدین آن می داند. آنچه در این مطالعه مورد جستجو و تحقیق قرار گرفته، این است که آیا از دیدگاه اسلام، مخصوصا از دیدگاه فقه شیعه، سقط جنین مطلقاً ممنوع و حرام است و یا اینکه می توان برای آن استثنائاتی در نظر گرفت. آیا اسلام سقط جنین را در مواردی مجاز خواهد دانست.

مواد و روش ها

در این مطالعه، فتاوی عمده فقها و علمای معاصر شیعه در خصوص سقط جنین انسان، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. محور بحث بیشتر مبتنی بر نظر فقهی حضرت امام خمینی و حضرت آیه الله خامنه ای بوده و بر اساس تبیین و تحلیل نظر فقهی آنها، دیدگاه نگارنده نیز آورده شد.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

احادیثی که از پیامبر اسلام در خصوص خلقت انسان وجود دارد، مورد استفاده قرار گرفت. همچنین آیات زیادی در قرآن به مسئله کرامت انسان و قتل نفس پرداخته اند که تحقیق و تتبع در آیات مورد نظر با توجه به اینکه روش متقن و مستدلی برای ارزش نهادن جان آدمی است، در این پژوهش به آن توجه شده است. از دیدگاه مکاتب مختلف اهل سنت اعم از حنفی ها، حنبلی ها، مالکی ها و شافعی ها نیز بهره لازم گرفته شد و در این خصوص به نظرات فقهی امام محمد غزالی نیز اشاره گردید. بررسی دیدگاه مکاتب الهی نیز مد نظر این مطالعه بوده و در این خصوص به ایده و نقطه نظرات الهی دانان مسیحی، پروتستانها، ارتدودکس ها، آیین یهود و آموزهای زرتشت، توجه گردید. ایده و آراء مکاتب غیر الهی مانند فمنیست ها نیز آورده شد.نگاه علمی متخصصین پزشکی و همچنی دلایل عقلی و عرفی از جمله مواردی بودند که در این تحقیق به آنها توجه شده است.

یافته ها

از متون اسلامی اعم از آیات قرآن و یا احادیث، چنین استنباط می‌شود که بعد از سپری شدن چهار ماه از دوران جنینی، روح در بدن او دمیده می شود که با حرکت یافتن آن مقارن است. دمیده شدن روح و یا حرکت یافتن آن، فصل جدیدی است که جنین را در زمره شخص و یا انسان قرار می دهد. ساقط نمودن جنین نیز به اینکه قبل از دمیده شدن روح صورت پذیرد و یا بعد از آن، متفاوت خواهد بود.

اهل سنت و شیعه،جنین چهار ماهه را یک انسان و شخص تلقی نموده و در صورت انجام سقط، شائبه قتل نفس را مطرح می نمایند. جنینی که فاقد روح باشد، گروهی از اهل سنت، سقط آن را جایز دانسته و عده ای هم موافق با آن نیستند. فقهای شیعه نیز این عمل را به جز در موارد اضطرار و استثنایی، حرام می دانند. قاطبه فقهای اسلام، سقط جنین را در هر مرحله از تکوّن، در صورتیکه دلیل موجهی برای آن وجود نداشته باشد، حرام و غیر شرعی می دانند. اگر ادامه بارداری و قرار داشتن جنین در رحم با سلامتی و یا جان مادر منافاتی پیدا کرده و تشخیص آن از نظر علم پزشکی محرز شود، بر اساس نظر اکثر فقها قبل از چهار ماهگی، سقط جنین جایز است. سقط در مرحلهٔ قبل از دمیده شدن روح و زمانی که هنوز جنین به عنوان یک انسان و یا شخص تلقی نمی گردد، قتل نفس شمرده نشده و اجازهٔ سقط جنین در این گونه موارد به معنای اجازهٔ قتل نفس نیست. سلامتی و یا حفظ جان مادر در زمان قبل از چهار ماهگی، مهمتر از حفظ حیات جنین است.

برای جلوگیری از یک ضرر بزرگتر که ممکن است جان مادر را مورد تهدید قرار دهد، می توان جنین را ساقط نمود. اگر در تشخیص پزشکی محرز شود که جنین به شکل خاصی ناقص الخلقه است و ادامهٔ وجود آن در رحم مادر و تولّد و نشو و نمای آن، در آینده باعث عسر و حرج برای والدین و یا خانواده او خواهد شد. در این گونه موارد نیز، علی القاعده سقط جنین قبل از دمیده شدن روح جایز است. سقط جنین هرچند حرام است، امّا مانند هر امر حرامی در صورت عسر و حرج شدید، جایز می گردد و براساس قاعده نفی عسر و حرج، حرمت سقط منتفی است. جواز سقط جنین در این گونه موارد، با فتاوای برخی از فقها همخوانی ندارد. قاعده تقدم، عقلی و شرعی است. اساس این قاعده اهم بر مهم است. تقیه در قتل نفس جایز نیست. با قاعده ی نفی حرج، حکم حرمت سقط برداشته می‌شود. قاعده نفی حرج، بر همه احکام از جمله تقیه حکومت دارد. در خصوص تزاحم جنین، حق با حفظ حیات و جان مادر است.

بحث و نتیجه گیری

در جهان امروز، سقط جنین از مسائل بسیار مهم اجتماعی، اخلاقی و حقوقی در جامعهٔ بشری محسوب می شود. اگرچه ممکن است در بعضی از موارد مانند در خطر بودن جان مادر و یا اینکه بر اساس بعضی از موارد خاص پزشکی و آن هم با توجه به نظر متخصصین ذیربط، بتوان جنین را ساقط نمود، اما آنچه در حال حاضر دامنگیر جوامع بشری گشته، شاید دلائل مختلفی مانند جلوگیری از انفجار جمعیت، محدودیت منابع، حقوق بشر، آزادی حقوق زنان، بهانه اشتغال و تأمین معیشتی، معضل تربیت و نگهداری و رسیدگی به فرزندان، بهانه حفظ زیبایی جسم و بسیاری از موارد دیگری می‌تواند باشد، که بر اساس آنها اقدام به سقط جنین می‌گردد. این مسئله می رود تا به یک امری ساده و روزمرّه و متعارف تبدیل شود. در این خصوص علاوه بر اینکه باید به مسائلی چون در خطر قرار گرفتن جان مادر، تولد فرزندان ناقص و ناهنجار و یا مسائل مستحدثه روز توجه داشت، باید جوامع بشری را به آموزه های دینی و فرامین الهی و به خصوص جامعه اسلامی را به مسائل شرعی و قوانین دین مبین اسلام و فقه شیعه، توجه داد تا ناخواسته داخل در معصیت الهی قرار نگیرند. باید در نظر داشت که مدافعان سقط جنین سعی می نمایند تا وانمود کنند، جنین هیچوقت نمی تواند یک انسان بالفعل باشد. چون ویژگی ها و ممیزات یک انسان را ندارد. لذا نمی تواند در زمره آن قرار گیرد.

به نظر می رسد این گروه، انسان را فقط متعلق به یک رده خاصی از موجودات بیولوژیک در نظر گرفته و از تعلق آن به جامعه اخلاقی غافل مانده اند (۲۷). جامعه اخلاقی خود بخشی از جامعه اعتقادی حاکم بر یک ملت است. لذا توجه به مسائل اعتقادی و خاصا توجه داشتن به فقه پویای شیعه در تبیین مسئله سقط جنین، راهگشای مناسبی برای عاملین به این کار و همچنین برای والدین خواهد بود. در حدیثی از پیامبر اسلام(ص) نقل شده که فرموده اند: هر یک از شما در شکم مادر خود چهل روز نطفه است. پس از آن چهل روز علقه و پس از آن چهل روز مضغه است. پس از آن خداوند فرشته ای به سوی او می فرستد و او را به چهار کلمه مامور می سازد تا رزق، مدت عمر، عمل و بدبختی و خوشبختی او را رقم بزند و پس از آن روح در او دمیده می شود (۲۸). با توجه به این حدیث و بسیاری از متون اسلامی اعم از آیات قرآن و یا احادیثی که از معصومین(ع) وجود دارد، چنین استنباط می شود که بعد از سپری شدن چهار ماه، روح در جنین انسان دمیده می شود که با حرکت یافتن آن مقارن است.

دمیده شدن روح و یا حرکت یافتن جنین درحقیقت شروع فصل جدیدی است که جنین را در زمره شخص و یا انسان قرار می دهد. لذا مشاهده می گردد که ساقط نمودن جنین نیز به اینکه قبل از دمیده شدن روح صورت پذیرد و یا بعد از آن، متفاوت خواهد بود. جنینی که دارای روح بوده و حیات انسانی داشته باشد، هم اهل سنت و هم فقهای شیعه، او را

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

یک انسان و شخص تلقی نموده و در صورت انجام سقط، شائبه قتل نفس را مطرح می نمایند. اما در مورد جنینی که فاقد روح باشد، یک اجماع نظری میان علما و فقهای مکاتب اسلامی وجود ندارد. گروهی از اهل سنت آن را جایز دانسته و عده ای هم موافق با آن نیستند. فقهای شیعه نیز این عمل را به جز در موارد اضطرار و استثنایی حرام می دانند (۲۳).

باید در نظر داشت که حرمت سقط جنین از دیدگاه اکثر فقها، یک مسئله مطلق و دائمی نیست. در بسیاری از موارد استثناء پذیر بوده و با توجه به اینکه سقط در چه شرایطی صورت پذیرد و یا اینکه چه هدفی را دنبال نماید، متفاوت بوده و برای هر یک از موارد آن راه حلی مناسب و یا یک حکم فقهی خاص، ارائه شده است. در مسائل فقهی نیز هرکس باید از دیدگاه مرجع تقلید خود پیروی کند. قاطبه فقهای اسلام، سقط جنین را در هر مرحله از تکوّن، در صورتی که دلیل موجهی برای آن وجود نداشته باشد، حرام و غیر شرعی می دانند.

برای سقط آن در مراحل مختلف، دیه ای متناسب با آن مقرر کرده‌اند. امام خمینی می فرماید: «در صورتی که ولوج روح در جنین شده باشد دیه کامل یعنی هزار دینار واجب می شود، در صورتی که به حکم مسلمان و مذکر باشد. اگر مؤنث باشد نصف آن (۵۰۰ دینار) واجب می شود. در صورتی که گوشت روی استخوان ها بروید و خلقت او کامل شده باشد (قبل از ولوج روح) چه مذکر و چه مؤنث باشد صد دینار واجب می شود. اگر گوشت نروئیده باشد، یعنی در مرحلهٔ استخوان باشد، در آن هشتاد دینار است. در مرحلهٔ مضغه، شصت دینار و در مرحلهٔ علقه، چهل دینار و در مرحلهٔ نطفه با استقرار در رحم بیست دینار، چه برای مذکر و چه برای مؤنث واجب می شود (۲۹).

در خصوص جواز سقط دلایل متفاوتی بیان گردیده که با طرح هر یک از موارد آن به عنوان یک مشکل، باید بتوان با استعانت از باید ها و نباید هایی که در دین مبین اسلام و فقه شیعه به آن اشاره شده، مسئله را تبیین کرد و بهترین و مناسب ترین راه حلی را که منطبق بر فرامین شرع مقدس است، به آن عمل نمود. در صورتی که ادامه بارداری و قرار داشتن جنین در رحم مادر با سلامتی و یا با جان مادر منافاتی پیدا کرده باشد. ولی جنین هنوز به مرحلهٔ پیدایش روح یعنی حدوداً چهار ماهگی خود نرسیده باشد، بر اساس نظر قاطبه فقها، اگر تشخیص علمی و پزشکی چنین امری محرز شود، سقط جایز است.

امام خمینی در پاسخ به این سوال که اگر «زنی حامله شده و اکنون یک ماه و نیم، اطبّاء می گویند حاملگی برای مادر خطر جانی دارد و موجب فلج شدن وی خواهد شد . آیا سقط جنین برای چنین مادری جائز است یا خیر» می فرمایند «اگر ضرر و خطر جانی برای مادر دارد، قبل از دمیده شدن روح، سقط جائز است» (۳۰). مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای نیز می فرمایند «اگر خوف خطر بر جان مادر مستند به قول دکتر متخصص امین باشد، سقط جنین پیش از دمیده شدن روح در جنین اشکال ندارد» (۳۰). دلیلی که می توان از نظر فقهی برای آن اقامه کرد، بدین صورت است که هرچند سقط جنین از محرمات محسوب می شود، امّا همانند بسیاری از اعمال ناپسند، مانند دروغ گفتن و یا خوردن برخی از چیزهایی که دین اسلام، آن را حرام اعلام کرده است ولی در موارد استثنایی، عمل به آن را جایز می داند و یا اینکه انجام اعمال واجبی مانند وضو و روزه، که در مواردی خاص، ساقط می گردد، در این خصوص نیز به مسئله اضطرار توجه کرده و برای جلوگیری از یک ضرر بزرگتر که ممکن است جان مادر باشد، انجام سقط را جایز می داند. در این حالت اگر مادر اقدام به سقط جنین نکند، مسلما سلامتی و یا جان او در معرض مخاطرهٔ جدی قرار می گیرد، لذا با توجه به این که سقط در مرحلهٔ قبل از دمیده شدن روح صورت می گیرد و جنین نیز هنوز به عنوان یک انسان و یا شخص تلقی نمی گردد، به همین خاطر قتل نفس شمرده نشده و اجازهٔ سقط جنین در این گونه موارد به معنای اجازهٔ قتل نفس نخواهد نبود.

صورت دیگر قضیه به این شکل است که اگر در تشخیص پزشکی به طور قطع محرز شود که جنین به شکل خاصی ناقص الخلقه است و ادامهٔ وجود آن در رحم مادر و تولّد و نشو و نمای آن، در آینده باعث عسر و حرج برای والدین و یا خانواده خواهد شد. در این گونه موارد نیز، علی القاعده سقط جنین قبل از دمیده شدن روح جایز است. زیرا از طرفی هنوز روح در او دمیده نشده تا سقط آن قتل نفس به حساب آید و از طرف دیگر چنان که گفته شد، سقط جنین هرچند حرام است، امّا مانند هر امر حرامی در صورت عسر و حرج شدید، جایز می گردد. قرآن کریم می فرماید: «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (۳۱). یعنی در دین اسلام برای شما حکم حرجی وضع نشده است. یا اشاره دارد به اینکه: «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر» (۳۲). یعنی خداوند (در وضع احکام) خواهان آسانی برای شماست نه سختی و دشواری.

فقها براساس همین آیات ذکر شده، قاعده «نفی عسر و حرج» را استنباط کرده اند. تبیین آن به این صورت است که احکام شرع در صورتی که باعث عسر و حرج برای مکلّف شوند، انجام آن منتفی خواهد بود. در اینجا چون حکم حرمت سقط جنین در آینده باعث عسر و حرج برای والدین و خانواده می گردد، لذا براساس قاعده نفی عسر و حرج، حرمت سقط منتفی است. البته ممکن است این ایراد وارد باشد که در اینجا محلی برای تمسک به قاعده «نفی حرج» نیست، زیرا وجود فرزند تا موقعی که در رحم مادر قرار دارد، باعث عسر و حرج نمی شود که مجوّزی برای سقط گردد. به همین خاطر، عسر و حرج پس از تولّد نمی تواند مجوّز سقط در دوران جنینی باشد. پاسخ به این اشکال بدین صورت است که با توجه به مفاد آیات ذکر شده، خداوند متعال حکمی که باعث عسر و حرج شود را وضع نکرده است. حال این عسر و حرج می خواهد بالفعل اتفاق بیفتد و یا اینکه در آینده تحقق پیدا کند. حتی حکمی که در آینده منجر به عسر و حرج خواهد بود، باز منتفی اعلام شده است. البته جواز سقط جنین در این گونه موارد، با فتاوای برخی از فقهای معاصر مطابقت ندارد، اما نظر فقهی نگارنده، بر این است که حکم عسر و حرج در هر حالتی جاری است.

یکی دیگر از مواردی که سقط جنین جایز می‌گردد، زمانی است که از راه تجاوز به عنف بارداری ناخواسته ای اتفاق افتاد باشد. در این حالت، عدم سقط جنین باعث هتک حیثیت و حرمت دختر و خانوادهٔ آبرومند او می‌گردد. شاید این اتفاق، سرنوشت و آیندهٔ دختر را در معرض مخاطره جدّی قرار دهد. در اینجا نیز علی القاعده اقدام به سقط جنین قبل از چهار

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

ماهگی و ولوج روح، باید جائز باشد. دلیل آن نیز همان قاعده نفی عسر و حرج است. منصفانه اگر به این موضوع نگاه شود، معلوم می گردد که حرمت سقط جنین باعث عسر و حرج شدید روحی و روانی و یا حتّی معیشتی برای دختر و خانوادهٔ او در آینده خواهد شد. مثال بارز آن در خصوص سربازان صربستان است که پس از غلبه بر کشور مسلمان نشین بوسنی، بر زنان و دختران مسلمان رحم نکرده و بسیاری از آن ها در تجاوز به عنف، ناخواسته باردار شدند.

حال این سئوال مطرح است که آیا ادامهٔ بارداری این دختران و نگهداشتن فرزندان نامشروعی که از نطفه این پدران کافر و متجاوز و آن هم به صورت تجاوز به عنف منعقد شده است و بعد از آن نگهداری بچه هایی که پدران مشخصی ندارند، برای این دختران مسلمان، باعث عسر و حرج نخواهد بود. در این حالت، اگر عسر و حرجی وجود دارد که قطعا وجود دارد، همان قاعده نفی عسر و حرج می تواند مجوّزی برای سقط جنین این زنان و دختران باشد.

شکل دیگری از این اتفاق می تواند مربوط به یک دختر آبرومند و مؤمنه ای باشد که در یک خانواده کاملا موجه زندگی می کند، ولی بر اساس اغوای شیطان به عمل منافی عفت تن داده و از این راه باردار گردید. شخص مورد نظر ممکن است بعداً توبه کند، اما این احتمال جدّی وجود دارد که در صورت اطلاع خانواده، اتفاقات ناروا و ناگواری برای بعضی از اعضای خانواده رخ دهد، یا این که بین خانواده او و طرف مقابل، آتش اختلاف و درگیری و فتنه، با پیامدهای نامعلومی شعله ور گردد. یا این که دختر امنیت جانی خود را در معرض خطر ببیند. علی القاعده، در این صورت باید قبل از ولوج روح نیز سقط جنین جایز باشد. دلیل آن قاعدهٔ تقدم اهمّ بر مهم است. این حالت یک قاعدهٔ عقلی و عقلایی و شرعی است. در اینجا هرچند حرمت سقط جنین قبل از ولوج روح شرعاً مهم است، امّا از نظر شرع وجوب جلوگیری از آتش فتنه و اختلاف و پیامدهای ناگوار بعدی، مهمتر است. لذا این حالت می تواند مجوّزی برای سقط جنین او باشد.

صورت دیگر قضیه سقط جنین پس از دمیده شدن روح و یا بعد از چهار ماهگی است. اگر در حالتی که ادامهٔ بارداری باعث مرگ قطعی مادر می گردد، سقط جنین حتی پس از ولوج روح نیز جایز خواهد بود. البته فقهای شیعه، نوعاً سقط جنین را بعد از ولوج روح، جایز نمی دانند. دلیلی که از طرف این دسته از فقها اقامه می شود، این است که مادر نمی تواند برای حفظ جان خویش اقدام به قتل فرزند خود نماید. در این خصوص به روایت تقیه استناد می شود. در این روایت، آمده است که تقیّه تا جایی نافذ است که به حدّ خون نرسیده باشد. لذا اگر تقیه، به حدّ ریخته شدن خون دیگری برسد، دیگر عمل به آن جایز نیست. تقیه کردن در خصوص سقط جنین، یعنی تلاش برای مصونیت جان مادر که به دنبال آن، به قیمت گرفته شدن جان یک انسان و ریخته شدن خون فرزندش به دست می آید. لذا غالب فقهای شیعه آن را جایز ندانسته و جزء محرمات قرار داده اند. امام خمینی در این مورد می فرماید: «اگر حاملگی برای مادر خطر جانی دارد یا موجب فلج شدن وی می گردد، سقط جنین برای او قبل از دمیده شدن روح در جنین، جائز است ولی بعد از دمیده شدن روح در جنین و به حرکت در آمدن جنین در شکم مادر، جائز نیست و مادر باید تحت مراقبت های ویژه ، کودک را نگهداری و در موقع مقتضی به دنیا بیاورد» (۳۰).

حال بر اساس تبین و تحلیل این نظر فقهی، اگر امکان حفظ جان مادر به هیچوجه امکان پذیر نباشد، چه باید کرد و چگونه می توان با این مسئله برخورد نمود. اگر بتوان تحت مراقبتهای ویژه جان مادر و کودک را حفظ نمود، مسلما سعی بر آن واجب بوده و باید از سقط جنین پرهیز نمود. اما در بسیاری از موارد، حفظ جان مادر منوط به ساقط نمودن جنین بوده و هیچگونه مراقبت های ویژه پزشکی نمی تواند کار ساز باشد.

در توضیح و تبیین این مطلب باید گفت که، مزاحمت جنین در رحم، با حیات مادر دو صورت متفاوت دارد. گاهی نفس وجود جنین در شکم مادر هیچ مشکلی برای حیات مادر ایجاد نمی کند، امّا به دلیل این که مادر دچار بیماری خاصّی است که برای درمان خود باید دارویی استفاده کند ولی خوردن این دارو، با حیات فرزند در تضادّ است. در اینجا اگر مادر بخواهد رعایت حال فرزند را بنماید، باید از خوردن دارو و درمان خویش صرف نظر کند. در صورت فرض این موضوع، مرگ مادر حتمی است. لذا اگر بخواهد خود از مرگ نجات یابد، باید دارویی را مصرف نماید که مستلزم مرگ جنین او است. گاهی اوقات نیز، نفس ادامه حیات جنین در رحم مادر، باعث مرگ او (مادر) می گردد. یعنی جنین، مزاحم حیات مادر است. مثلا ادامه بارداری باعث خفگی مادر و یا بالا رفتن فشار خون و یا سکته او می گردد. حال به تبیین دو حالت ذکر شده پرداخته می شود. درصورت اوّل می توان گفت که چه دلیلی وجود دارد تا مادر را از خوردن دارو و اقدام برای معالجهٔ خویش محروم و ممنوع سازیم. مطمئنا، مادر مجاز خواهد بود تا خود را درمان کند. هرچند به طور ناخواسته ممکن است پیامد درمان او، مرگ جنین باشد. هدف از خوردن دارو حفظ حیات مادر است، نه اینکه بخواهد جنین خود را ساقط نماید، اما آسیب وارده به جنین یک مسئله عرضی است و ناخواسته اتفاق می افتد.

موارد مشابه آن، مثل اقدام شخصی است که برای حفظ حیات خویش که مثلا در حال غرق شدن است، ولی با تلاش و تقلّای خود، ناخواسته موجی در آب ایجاد می کند که باعث غرق شدن افراد دیگر می-شود. آیا این شخص مجاز نخواهد بود تا خود را نجات دهد. آیا باید او را از هرگونه تحرک و جست و خیز در آب منع نمود. یا کسی که حیوان درنده ای را از خود می راند، فرض بر این است که، صرفا حیوان را از خود دور می سازد، نه اینکه حیوان را به سمت و سوی افراد دیگری هدایت می کند. در اینجا نیز مادر با خوردن دارو می خواهد خود را از چنگ یک بیماری مرگ آفرین نجات دهد. مادر هدفی غیر از این ندارد. امّا این دارو که نجات جان مادر در آن قرار دارد، باعث سلب حیات از جنین او می شود. لذا دلیل متقنی وجود ندارد تا بتوان با استناد به آن، حق حفظ حیات را از مادر سلب نمود.

صورت دوم، مزاحمت حیات جنین با ادامهٔ حیات مادر است. به نظر نگارنده، در اینجا نیز سقط جنین برای مادر مجاز است. در این حالت، فرزند مزاحم حیات مادر است. به تعبیر دیگر فرزند همانند مهاجمی است که می‌خواهد مادر را از پا در بیاورد و جان او را بگیرد. هر گونه اقدام مادر به سقط جنین، در حقیقت نوعی دفاع از جان خویش و برداشتن مزاحم و

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

مهاجم از سر راه حیات خود می باشد. انسان نوعاً حق دارد در برابر هر گونه مزاحم و یا مهاجم، از حق حیات خویش دفاع کند. مادر نمی تواند دست روی دست بگذارد و کاری انجام ندهد. او نمی تواند شاهد از پای درآمدن و نابودی خویش باشد. بر او واجب است تا ازخود به نحو ممکن دفاع نماید. در حقیقت فرزند در شکم مادر که حوزه وجودی مادر می باشد، با حیات مادر به جنگ و ستیز برخاسته است. پس فرض بر این است که باید، همه جا در برابر مزاحم و مهاجم خارجی دفاع نمود. نظر نگارنده نیز بر جواز دفاع مادر از حیات خویشتن می باشد.

شاید این اشکال وارد شود که، جنین از خود اختیار و درک و شعوری ندارد تا امر مزاحم و مهاجم بر او صدق کند. در پاسخ باید گفت که، مگر در صدق مزاحم و مهاجم، اختیار و درک و شعور لازم است. مثلاً حیوان و یا دیوانه ای قصد جان انسان را بنماید، آیا انسان حق ندارد از حق حیات خویش دفاع کند. قطعاً در همهٔ این موارد انسان حق دارد حتّی به قیمت از پا در آوردن مزاحم و مهاجم، از جان خود دفاع کند. اگر گفته شود که طفل معصوم گناهی ندارد. این والدین بوده اند که با خواست خویش باعث انعقاد و پیدایش او در رحم شده اند. در حقیقت فرزند در رحم مادر، همانند مهمان دعوت شده ای است که ناخواسته و سرزده نیامده است. اگر این فرض درست باشد، در خصوص بارداری های ناخواسته چه باید گفت. در بارداری هایی که زن هرگز مایل به آن نبوده و در یک تجاوز به عنف و یا ناشی از اغوای شیطان به این عمل گرفتار شده است، چه باید گفت. پس این اشکال نمی تواند وارد باشد. اینکه جنین یک مهمان دعوت شده است، قابل تعمیم به اصل موضوع نخواهد بود. مادر هرگز نخواسته بود که فرزند، بلای جان او و مزاحم حیات او باشد. فرزند در اینجا مانند مهمان دعوت شده ای است که می خواهد صاحب خانه را از پا دربیاورد. صاحب خانه هرچند مهمان را دعوت کرده باشد، امّا هرگز به این نیت دعوت نکرده تا بلای جان او و مخل حیات او باشد. در این گونه موارد صاحب خانه حق دارد مهمان را، قبل از این که او را از پا دربیاورد، از صحنه بردارد.

اشکال دیگری که بیان شده، استناد به روایتی است که می فرماید: «تقیّه برای این تشریع شد که خون انسان ها حفظ شود، امّا وقتی تقیه تا سرحدّ خون برسد، دیگر جای تقیه نیست» (۳۳). براساس این روایت، انسان می تواند برای مصونیت جان خود از سر ناچاری و اضطرار، هر کاری را انجام دهد. مگر این که برای مصونیت جان خود بخواهد خون دیگری را بریزد که در این صورت جایز نیست. لذا در امر سقط جنین، چون مادر می‌خواهد برای حفظ حیات خویش، جان بچه را بگیرد، پس جایز نیست. در پاسخ به این اشکال باید گفت که این روایات ناظر به آنجایی است که از سر اکراه و فشار دیگری و یا اضطرار، برای حفظ جان خویش بخواهد دیگری را نابود کند. مثلاً ظالمی او را تهدید می کند که فلانی را بکش و گرنه من تو را می کشم. یا این که حیوان درّنده ای به سوی او روی می‌کند، او برای نجات جان خویش دیگری را در پیش روی او قرار دهد. یا این که در برابر مخالف دین و مذهب برای این که تقیه کند و شیعه بودن خود را کتمان کند، دست به قتل شیعه ای بزند تا وانمود کند که شیعه نیست. همهٔ این موارد و موارد مشابه آن، با مسئله مورد بحث ما متفاوت است. اینجا مادر در برابر فرزندی قرار گرفته است که با وجود خود می‌خواهد جان مادر را بگیرد. در حقیقت به جنگ با حیات مادر برخاسته است. فرزند حق دارد در رحم مادر بماند و نشو و نما کند و از شیرهٔ جان او تغذیه نماید، اما به شرط این که با مکیدن شیره جان مادر قصد جان او را نکند. حال که قصد جان مادر را کرده است، مادر حق دارد این جایگاه امن را از او بگیرد و از مکیدن شیرهٔ جان خود او را محروم سازد. همچنین با استناد به قاعدهٔ «نفی حرج» هر حکم حرجی برداشته می شود. در اینجا حرمت سقط جنین و وجوب تن دادن مادر به مرگ خویش قطعاً حرج است. با قاعدهٔ نفی حرج حکم حرمت برداشته می شود. امام خمینی در این رابطه می فرماید: واجب دانستن حفظ جان دیگری و یا حرام دانستن قتل دیگری آنجا که این حکم باعث ضرر فاحش بر خویش شود (مانند هلاکت و نابودی خویش) حکمی است حرجی. لذا با وجود دلیل شرعی نفی حرج، در این صورت، دیگر عقل حکم به قبح قتل دیگری نمی کند.

در نهایت با مستفاد از روایت ، تقیه که در خون مطلقاً حرام است، نسبت به این روایات و آیات نفی حرج، عموم و خصوص من وجه است؛ زیرا تقیه نکردن در خون اعم از این است که ترکش باعث حرج شود یا نشود و دلیل نفی حرج نیز شامل آنجایی که پای خون به میان بیاید و یا نیاید می شود. محل اجتماع آنجایی است که تقیه نکردن در مورد خون باعث حرج شود، با توجه به این که قاعده نفی حرج، حکومت بر همهٔ احکام دارد لذا بر حرمت تقیّه نیز حکومت دارد. زیرا حکم «لاتقیه فی الدماء» خود حکم اولی است و قاعده نفی حرج بر همهٔ احکام اولیه از جمله بر همین حکم حکومت دارد (۳۴).

تقدیر و تشکر

از تمامی عزیزانی که از نظرات و راهنمایی های آنها به نحوی بهره جستیم، تقدیر و تشکر به عمل می آید.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

References

1. Gray Cunningham F, Kenneth J. Leveno, Steven L. Bloom, Jone C. Hauth, Dwight J Williams Obstetrics. 23Rd Edition. Mc Graw Hill, 2010, P 215.
2. Ronald S Gibbs, Beth Y. Karlan, Arthur F. Haney, Ingird E. Nygaard. Danforth's Obstetrics and Gynecology. 10th Ed. Philadelphia: Lippincott Williams and wilkins; 2008 page 62-69.
3. Safe Abortion. Technical and Policy Guidance for Health Systems 2003. World Health Organization. Available From: http://www.Thefreelibrary.com/World Health Organization (WHO). 2003. Safe Abortion. Accessed Aug 14, 2009.
4. Behjati Ardakani Z, Akhoondi MM, Sadeghi MR, Sadri Ardekani H. The necessity of a comprehensive study on abortion in Iran. Medical Journal of Reproduction & Infertility 2005;6(24): P 299-320 [in persion]
5. Rasch V, Muhammad H, Urassa E, Bergström S. The problem of illegally induced abortion: results from a hospital-based study conducted at district level in Dar es Salaam. Trop Med Int Health. 2000; 5(7): P 495-502.
6. Cohen SA. Envisioning life without Roe: lessons without borders, The Guttmacher Report on Public Policy. 2003; 6(2): P 3-5
7. Bruce O, Bentar S. Policy update on safe and legal abortion 30 years after Roe. Instiue for Women′s Population Research (IWPR.org). 2003; p: 241.
8. Harris AA. Supportive counseling before and after elective pregnancy termination. Midwifery and women health 2004; 49(2): P 105-111.
9. Modaber M. Abortion for keeping mother alive. Journal of Jahrom Uiversity of Medical Sciences, 2005. 2 (2) P 40-47 [in persion]
10. Mohaghegh Damad M. Proceedings of Medical Ethics, Vol 5, article research on abortions, complications, problems and issues surrounding it. First ed. Tehran. Research Center of Medical Ethics. 1995 pp. 164-166 [in persion]
11. Ebadi SH. Medical law, 2nd ed, Tehran, Ganj Danesh Library Publications, 1992, pp.125
12. Hosseini S.A. An Elementary Study on the Fundamentals of Islsmic Psychology. Third edition. Mashhad University of Medical Sciences. 2010, P. 25. [in persion]
13. Ibid Cf. Catechism of the Catholic Church, VERITAS. 1st Ed. publietion.1994, p. 489.
14. Richard B. Hays, the Moral Vision of the New Testament, T&T Clarch Edinburg.2001; p 453.
15. Lisa Sowle Cahill, "Abortion", Paul Barry Clarke and Andrew Linqey (Ed.), Dictionany of Ethics, Theology And Society, Reutledge.1997; p. 1.
16. Ibid Cf. Catechism Of The Catholic Church, Veritas. 1st Ed. publietion.1994, p. 264.
17. Solaimani H. Abortion in Judaism. Journal of Reproduction and Infertility, 2005, Volume 6 (4), pp 349-361 [in persion]
18. Aghaei M. Abortion and Zoroastrianism. Journal of Reproduction and Infertility, 2005, Volume 6 (4), pp 362-368 [in persion]
19. Solaimani H. Abortion in Christianity. Journal of Reproduction and Infertility, 2005, Volume 6 (4), pp 343-348 [in persion]
20. Bandewar. S Exploring the ethics of 7. induced abortion. Indian J med. Mar 2005: 14: 1-4.
21. Ghomashi S. Induced abortion in overthrowing Sunni jurisprudence perspective. Journal of Reproduction and Infertility, 2005:6(4) pp 375-389 [in persion]
22. Khazaee S., Islam and abortion. Appendix of Journal of Reproduction and Fertility, conference abstracts in a comprehensive study of abortion, Avicenna Research Institute, 2001, p 92 [in persion]
23. Nemati A. Abortion law from the perspective of contemporary jurisprudence. Appendix of Journal of Reproduction and Fertility, Conference abstracts of a comprehensive study of abortion, Avicenna Research Institute, 2001, p 86 [in persion]

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

24. The Holy Quran, Surah Nisa, verse 93
25. The Holy Quran, Surah Momenon, verse 13
26. Tabatabai M. H. Interpretation of Al-Mizan. C(15), first ed. Qom, publication of Modaresin Society. 1996, p 20.
27. Eslami S.H. Ethical approaches to abortion: A case study. Medical Journal of Reproduction & Infertility Fall 2005; 6(4): 321-342 [in persion]
28. 28- Koleini Mohammd ebn yaghob. Osole Kafi. Osve publication. C (6). 1994, P 13
29. Imam Khomeini. Tahrir Al-Vasile. Dar al elm Institute Publications, 9 ed. V2, 2002. p 597 [Arabic]
30. Rohani M. Noghani F. Medical statements. Publication of Taimor Zade Cultural Institute. First ed. V (6). 1998. P 103-109 [in persion]
31. The Holy Quran, Surah Haj, verse 78
32. The Holy Quran, Surah Baghare, verse 185
33. Horre Ameli. Vasael al Shia. The chapters forbidding. Chapter 31. V11. Hadith 1&2. 1993. P 483.
34. Imam Khomeini. Makasebe moharrame. Mehr Printing. V1. 1st ed. 1960, p 155 [Arabic]

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

Islam and Health Journal
Babol University of Medical Sciences

Babol Univ. of Med. Sciences
Islam and Health Journal/ 2014; 1(1): 29-37

Studying the abortion from religious jurisprudence perspective

Received: 9 Apr 2014 Accepted: 7 May 2014

Nikzad A (PhD)[1*]
Jorsaraei GA (PhD)[2]

1. Associate Professor and scientific mission member of Islamic thought, educational group in Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran
2. Associate Professor of Anatomy and Embryology, Fateme Zahra, infertility & Reproductive Health Research Center. Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran

[*]**Corresponding Author:**
Nikzad A, Educational group in Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran

Tel: +98 11 32197427
Fax: +98 11 32197427
Email: nikzad.2010@yahoo.com

Abstract

Introduction: Abortion is the termination of pregnancy before the twentieth week. About 80 thousand abortions are annually performed in Iran. Many social issues such as having many children, asymmetry in sex, unintended pregnancy, or being illegitimate child have provided appropriate ground for abortion. Different schools have offered a variety of views and ideas. The conception phase and the stage before the soul is inspirited are of value to Islam due to the dignity of man. This study investigated the issue of abortion from the perspective of Islam especially Shi'a jurisprudence.

Methods: The religious verdicts of jurisconsult and Shia contemporary scholars, the religious jurisprudence ideas of Imam Khomeini and Ayatollah Ali Khamenei and the author's perspective on human abortion were discussed and evaluated in this study. The traditions of Muhammad and the signs of Quran were also cited in the present study. The approach of different schools of Sunni, Judaism, the teachings of Zoroaster and Christian theologians were considered. The ideas of non-divine schools like feminists, the science view of medical specialists and the intellectual and common language reasons were addressed in this study.

Findings: The majority of Islamic jurisconsults believes that the abortion at any stage of the live is prohibited and is considered non-religious if there is no good reason for it. Abortion sanctity in some circumstances is prohibited according to the negation of hardship and sin rules and it should be prevented from the greater loss based on importance and priority rule. There is no strong reason to abort the pregnancy because of its harassment in the womb. Abortion is permissible for mother if the life of mother is at risk. The sanctity of the rule is removed by the negation of sin rule. The negation of sin rule is dominant on all provisions like dissimulation.

Conclusion: The sanctity of abortion is not absolute and has exception from the perspective of the majority of Islamic jurisconsults. The sanctity of abortion is removed according to the negation of hardship and sin rules. The harassment of pregnancy in the womb, which leads to danger of mother's life, can be licensed for abortion. The religious teachings and Shia jurisprudence determine the right way.

Keywords: **Humane, Abortion, Islam, Shia jurisprudence, Value of Life, Babol University of Medical Sciences**

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]